

# جست و جوی

## ادبیات کودک و نوجوان

### در گلستان سعدی

○ روح الله مهدی پور عمرانی

پیش از ورود به بحث، ذکر دو نکته را ضروری می‌دانم:

۱- کتاب‌های معتبر ادبیات فارسی که در طول سالیان دراز، با دیده تأیید همه‌جانبه، به آن‌ها نگاه و با آن‌ها رفتار شده، کم‌تر مورد ارزیابی انتقادی قرار گرفته‌اند. این رفتار سبب می‌شود تا خوانندگان این زمانه، در خوانش‌های خود، چه بسا دچار تردید شوند و بعضی از نکات مطرح شده در آن‌ها را با ساز و کار امروزی سازگار نبینند و یا از سر تأیید به دانش‌آموزان بیاموزند. این مقاله، با هدف روشن شدن جایگاه ادبیات کودک و نوجوان در گلستان سعدی، نوشته شده است.

نویسنده این مقاله، ادعای این را ندارد که پژوهشی کامل و همه‌سویه در مورد موضوع یاد شده انجام داده است، بلکه بابتی را فتح کرده تا پس از این - اگر لازم دیده شد - دیگران هم از این معبر، رفت و آمد کنند.

روشن نمودن روش پیشینیان در نگارش متن و رعایت نقش همه افراد جامعه و شیوه این حق‌نهداری، به نویسندگان و تدوین‌کنندگان متون ادبی - البته آموزشی - نشان خواهد داد که متن‌ها تاریخ مصرف دارند و همه زمانی و همه مکانی نیستند. جایگزینی دید نسبی‌گرا به دیدگاه مطلق‌گرا، خود هدفی آموزشی به حساب می‌آید.

۲- روش تحقیق در نگارش این مقاله، روشی کتابخانه‌ای - تحلیلی است. علاقه‌مندان دیگر می‌توانند از روش‌هایی مانند روش میدانی - مصاحبه‌ای نیز استفاده کنند و با پرسش از خوانندگان (کودکان - نوجوانان - مربیان و نویسندگان)، به نتایج دلخواه برسند. گلستان سعدی، در سال ۶۵۶ نوشته شده است. مصلح‌الدین شیرازی، این مطلب را در بیتی، چنین گفته است:

در آن ایام که ما را وقت خوش بود

ز هجرت، ششصد و پنجاه و شش بود  
گلستان، دستاورد مصلح‌الدین شیرازی، از سیر و سفر دراز او در خاورمیانه و آفریقا است. او، دیده‌ها و شنیده‌های خود را با زبانی ترکیبی و شیرین، در قالب حکایت‌های کوتاه، به رشته تحریر درآورده است. این شیوه، پیش از مصلح‌الدین شیرازی، مرسوم نبوده است. شیوه سعدی در گلستان، مورد استفاده و استقبال نویسندگان فراوانی قرار گرفت و همانندهایی (نظیره‌هایی) نیز ساخته شده است. چنان که جامی، نگارستان و دیگران کتاب‌هایی به نام‌های خارستان و مُلستان و... را به پیروی از سعدی نوشته‌اند.

گلستان، علاوه بر دیباچه، دارای هشت فصل است. در این هشت فصل، بیش از یک‌صد و هشتاد حکایت کوتاه و بلند، گنجانده شده که به مناسبت حال و هوا و لایه‌های گونه‌گون اجتماع و موقعیت‌های زمانی و سنی، دسته‌بندی شده‌اند:

- ۱- دیباچه
- ۲- در سیرت پادشاهان
- ۳- در اخلاق درویشان
- ۴- در فضیلت قناعت
- ۵- در فواید خاموشی
- ۶- در عشق و جوانی
- ۷- در ضعف و پیری
- ۸- در تأثیر تربیت
- ۹- جدال سعدی با مدعی
- ۱۰- در آداب صحبت

مخاطبان گلستان، آحاد مردم‌اند. داستان‌ها و حکایت‌های گلستان، ساخت و بافتی دارند و با زبانی ساخته شده‌اند که در روزگار ما، برای فهم و درک کودکان و نوجوانان، دشوار می‌نماید.

آیا در روزگار سعدی، کودکان و نوجوانان، کتاب‌های خود را داشته‌اند؟

کودکان سده‌های چهارم، پنجم، ششم، هفتم و... (به‌ویژه کودکان و نوجوانان مقطع زمانی نگارش گلستان و پس از آن)، به مثابه جمعیتی پرشمار، اما کم‌اهمیت مطرح بوده‌اند. آن‌ها (بیشتر در خانواده‌های تهی‌دست) با گرسنگی و سوء‌تغذیه و بیماری و سختی و ستم (ستم پدر و مادر، روابط اجتماعی) و بی‌سوادی رو به رو بوده‌اند. تنها اندکی از این کودکان و نوجوانان، فرصت راه‌یابی به مکتب‌خانه‌ها را به دست می‌آوردند. در مکتب‌خانه هم کتاب‌هایی را می‌خواندند که اساساً برای عموم مردم نوشته می‌شده‌اند. در سده‌های نخستین پس از چیرگی اعراب (سده‌های سوم و چهارم)، کتاب کلیله و دمنه در مکتب‌خانه‌ها برای کودکان و نوجوانان تدریس می‌شد و در سده‌های بعد نیز کتاب‌هایی از قبیل کیمیای سعادت (امام محمد غزالی)، قابوسنامه (عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر وشمگیر) و بوستان و گلستان، درس‌نامه‌های کودکان و نوجوانان در مکتب‌خانه‌ها بودند. ویژگی غالب ادبیات این سده‌ها، حضور پررنگ عناصر اندرز و پند است. به همین سبب، این نوع ادبیات را ادبیات اندرزی نام نهاده‌اند. درونمایه همه این کتاب‌ها، اخلاق و تعلیم و تربیت، اما ساختار بیرونی آن‌ها با هم تفاوت دارد. در «کیمیای سعادت» و «قابوس‌نامه»، اندرز با زبانی مستقیم و لحنی آمرانه بیان شده، در حالی که در گلستان سعدی، زبان علاوه بر زیبایی و آهنگین بودن، غیرمستقیم، در لفافه حکایت و داستان به بیان نکته‌های اخلاقی و اندرز می‌پردازد. به هر حال، نگاه نزدیک به حکایت‌های گلستان، بحث را کاربردی خواهد کرد. نکته دیگری که در ادبیات عمومی سده‌های پیشین به چشم می‌خورد، در مخاطب‌شناسی آن و همان نگاه مذکرانه و مردانه است:

ای پسر! هان و هان تو را گفتم  
 که تو بیدار شو که من خفتم (نظامی نجوی)  
 سر به سر لطفی و جانی ای پسر  
 خوش تر از جان چیست، آئی ای پسر (عراقی)  
 چو خواهی که نامت بماند به جای  
 پسر را خردمندی آموز و رأی (سعدی)  
 نگاه مردانه و مذکرانه، در سراسر متون ادبیات  
 ایران حضور دارد. شاعران و نویسندگان در طول  
 تاریخ، همواره کوشیده‌اند تا پیکره‌ای از جمعیت  
 انسانی را نادیده بگیرند. آن‌ها حتی در خطاب آدم‌ها  
 نیز جانب انصاف را رعایت نکرده‌اند. نمونه‌های

مشهور زیر، رویکرد اقتدارگرایانه و مردسالارانه  
 شاعران و نویسندگان را به خوبی نشان می‌دهد:  
 ای برادر تو همه اندیشه‌ای  
 مابقی خود استخوان و ریشه‌ای

کار هرکس نیست خرمن کوفتن  
 گاو نر می‌خواهد و مرد کهن

مردان خدا پرده پندار دریدند

یعنی همه جا غیر خدا یار ندیدند

دامنه این رویکرد یک‌سویه، به گسترک  
 ادبیات فارسی و اندیشه جانبدار شاعران و  
 نویسندگان مذكر است. گویی موجودی به نام زن  
 حضور ندارد، کار نمی‌کند، سیرت و صورت ندارد،  
 پرده پندار نمی‌درد و...

مرد آن است که در کشاکش دهر  
 سنگ زیرین آسیا باشد  
 صورت زیبایی ظاهر هیچ نیست  
 ای برادر سیرت زیبا بیار!

### نمودار شماره یک: داستان‌های مناسب برای کودکان و نوجوانان

عنوان فصل	تعداد حکایت	تعداد حکایت مناسب برای کودک و نوجوان	آغازبندی حکایت
دیباچه	-	-	-
در سیرت پادشاهان	۴۲	۲	۱ - سرهنگ‌زاده‌ای را بر در سرای اغلمش دیدم که عقل و کیاستی و فهم و فراستی زایدالوصف داشت. <sup>۱</sup> ۲ - یکی از پسران هارون‌الرشید، پیش پدر آمد خشم‌آلوده که فلان سرهنگ‌زاده مرا دشنام مادر دارد. <sup>۲</sup>
در اخلاقی درویشان	۴۸	۱	یاد دارم که در عهد طفولیت، متعبد بودم و شب‌خیز... <sup>۳</sup>
در فضیلت قناعت	۲۷	۲	۱ - دو امیرزاده در مصر بودند، یکی علم آموخت و دیگری مال اندوخت. <sup>۴</sup> ۲ - یکی از حکما پسر را نهی کرد از بسیار خوردن که سیری مرد را رنجور دارد. <sup>۵</sup>
در فواید خاموشی	۱۴	ندارد	-
در عشق و جوانی	۲۱	۱	۱ - یاد دارم که در ایام جوانی گذر داشتم به کویی <sup>۶</sup>
در ضعف و پیری	۹	ندارد	-
در تأثیر تربیت	۱۹	۸	۱ - یکی از وزرا پسری کوهن داشت. پیش یکی از دانشمندان فرستاد. <sup>۷</sup> ۲ - حکیمی پسران را پند همی داد که جانان پدر هنر آموزید. <sup>۸</sup> ۳ - یکی از فضلا، تعلیم ملک‌زاده‌ای کردی و ضرب بی‌محابا زدی. <sup>۹</sup> ۴ - معلم کتابی را دیدم در دیار مغرب، ترش روی. <sup>۱۰</sup> ۵ - پادشاهی پسر به ادیبی داد و گفت این فرزند توست. <sup>۱۱</sup> ۶ - فقیره درویشی حامله بود. مدت حملش به سر آمد. درویش را در همه عمر فرزند نیامده بود... <sup>۱۲</sup> ۷ - طفل بودم. بزرگی را پرسیدم از بلوغ... <sup>۱۳</sup> ۸ - توانگرزاده‌ای را دیدم که بر سر گور پدر نشسته... <sup>۱۴</sup>
جدال سعدی بامدعی	-	-	-
در آداب صحبت	-	-	-

نمودار شماره ۲: داستان‌هایی که در صورت بازنویسی، برای کودکان و نوجوانان مناسبند

عنوان فصل	تعداد حکایت	تعداد حکایت مناسب بازنویسی کودکان و نوجوانان	آغازبندی حکایت
دیباچه	-	-	-
درسیرت پادشاهان	۴۲	۷	۱ - ملک‌زاده‌ای را شنیدم که کوتاه بود و حقیر... ۱۵ ۲ - طایفه دزدان عرب بر سر کوهی نشسته بودند... ۱۶ ۳ - پادشاهی با غلامی عجمی در کشتی نشست... ۱۷ ۴ - ملک‌زاده‌ای گنج فراوان از پدر میراث یافت... ۱۸ ۵ - آورده‌اند که انوشیروان عادل را در شکارگاهی، صیدی کباب کردند... ۱۹ ۶ - با طایفه بزرگان در کشتی نشسته بودم... ۲۰ ۷ - دو برادر بودند یکی خدمت سلطان کردی... ۲۱
در اخلاق درویشان	۴۸	۲	۱ - یاد دارم که شبی در کاروانی همه شب رفته بودم... ۲۲ ۲ - یکی از ملوک مدت عمرش سپری شد... ۲۴
در فضیلت قناعت	۲۷	۴	۱ - یکی از علماء خورنده بسیار داشت... ۲۴ ۲ - خشک‌سالی در اسکندریه پدید آمد... ۲۵ ۳ - بازرگانی را دیدم که صد و پنجاه شتر بار داشت... ۲۶ ۴ - یکی از ملوک با تنی چند از خاصان در شکارگاهی به زمستان، از عمارت دور افتادند... ۲۷
در فواید خاموشی	۱۴	۱	۱ - جوانی خردمند از فنون فضایل خطی وافر داشت... ۲۸
در عشق و جوانی	۲۱	۴	۱ - یاد دارم که در ایام پیشین، من و دوستی چون دو مغز بادام در پوستی صحبت داشتیم... ۲۹ ۲ - طوطی‌ای را با زاغی در قفس کردند... ۳۰ ۳ - رفیقی داشتم که سال‌ها با هم سفر کرده بودیم... ۳۱ ۴ - جوانی پاکباز و پاکرو بود... ۳۲
در ضعف و پیری	۹	۴	۱ - روزی به غرور جوانی سخت رانده بودم... ۳۳ ۲ - جوانی چست و لطیف و خندان و شیرین‌زبان در حلقه عشرت ما بود... ۳۴ ۳ - روزی به چهل جوانی، بانگ بر مادر زدم... ۳۵ ۴ - توانگری بخیل را پسری رنجور بود... ۳۶
در تأثیر تربیت	۱۹	۵	۱ - پارس‌زاده‌ای را نعمت بی‌قیاس، از ترکه عمان به دست افتاد... ۳۷ ۲ - اعرابی را دیدم که پسر خود را می‌گفت... ۳۸ ۳ - در تصانیف حکما آورده‌اند که کزدم را ولادت معهود نیست... ۳۹ ۴ - یکی از بزرگان پسری شایسته داشت... ۴۰ ۵ - پارسایی بر یکی از خداوندان نعمت، گذر کرد... ۴۱
جدال سعدی بامدعی	-	-	-
در آداب صحبت	-	-	-

## مبانی نظام تربیتی سعدی، برخاسته از تجربه شخصی او در زندگی و سیر و سفر و نیز آموزش‌ها و باورهای آیینی و دانشی اوست. اصول تربیتی مورد استفاده سعدی، زاینده مناسبات اجتماعی زمانه او است

گلستان سعدی و کتاب‌های دیگر از این دست، از منابع داستان‌نویسی برای کودکان و نوجوانان به شمار می‌روند. داستان‌نویسان، می‌توانند از این حکایت‌ها الهام بگیرند و یا این متن‌ها را به زبان امروزی دوباره‌نویسی کنند. در فرآیند دوباره‌نویسی، می‌توان ابزارها و عناصر داستانی را وارد کرد و متنی داستانی از روی متن مقامه (حکایت - داستان) و قصه‌وار ساخت برای نمونه، یکی از حکایت‌های قابل بازنویسی را به لحن و زبان داستان‌های امروزی درمی‌آوریم.

### ○ حکایت هفتم از فصل «در سیرت پادشاهان»

نخست متن سعدی:  
[پادشاهی با غلامی عجمی در کشتی نشست و غلام دیگر دریا را ندیده بود. و محنت کشتی نیازموده. گریه و زاری در نهاد و لرزه بر اندامش اوفتاد چندان که ملاحظت کردند آرام نمی‌گرفت و عیش ملک از او منغص بود. چاره ندانستند. حکیمی در آن کشتی بود. ملک را گفت اگر فرمان‌دهی، من او را به طریقی خامش گردانم. گفت غایت لطف و کرم باشد. بفرمود تا غلام به دریا انداختند. باری چند غوطه خورد. مویش گرفتند و پیش کشتی آوردند. به دو دست، در سگان کشتی آویخت. چون برآمد، به گوشه‌ای بنشست و قرار یافت. ملک را عجب آمد. پرسید درین چه حکمت بود؟ گفت از اول محنت غرقه شدن ناچشیده بود و قدر سلامت کشتی نمی‌دانست. هم‌چنین قدر عافیت کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید.]

ای سیر تو را نان جوین خوش ننماید  
معشوق من است آن که به نزدیک تو زشت  
است

حوران بهشتی را دوزخ بود اعراف  
از دوزخیان پُرس که اعراف بهشت است  
فرق است میان آن که یارش دربر  
با آن که دو چشم انتظارش بر در<sup>۳۳</sup>  
روزی پادشاهی با نوکر ایرانی‌اش سوار کشتی  
شد. نوکر تا آن روز دریا را ندیده بود و سوار کشتی

نشده بود و سختی‌های مسافرت دریایی را لمس نکرده بود. دلش آشوب شد، حالت سرگیجه و استفراغ به او دست داد. به گریه افتاد. فریاد می‌زد: مرا پیاده کنید!

هر چه دلداری‌اش می‌دادند، ساکت نمی‌شد. پادشاه، حالش گرفته شد! کم‌کم داشت عصبانی می‌شد. نمی‌دانستند چه کار کنند. مردی در میان مسافران بود. گفت: ای پادشاه! اگر اجازه بدهید، من ساکتش می‌کنم. پادشاه جواب داد: اگر این کار را بکنی، در حق ما لطف کردی. آن مرد دستور داد نوکر را در آب انداختند. نوکر سراسیمه در آب دست و پا می‌زد و کمک می‌خواست. مویش را گرفتند و به کشتی نزدیک کردند. نوکر که حساسی آب خورده و ترسیده بود، با دست‌هایش لبه کشتی را گرفت و بالا آمد. آب از همه جایش می‌ریخت. رفت در گوشه‌ای نشست و ساکت شد. پادشاه تعجب کرد و پرسید: چه رازی در این کار است؟ مرد دانا گفت: چون نمی‌دانست غرق شدن و مردن چقدر سخت است، قدر کشتی را نمی‌دانست. حالا که فهمیده، ساکت شده و قدر سلامتی را می‌داند...

البته، ممکن است داستان‌نویسان حوزه کودک و نوجوان، به فراخور توانایی خود، بازنوشته محکم‌تر و امروزی‌تر از متن آهنگین و مسجع سعدی بیافرینند. بسیاری از حکایت‌های گلستان را می‌توان بازنویسی کرد و عناصر داستانی را در آن‌ها به کار برد تا برای کودکان و نوجوانان امروز، قابل فهم و استفاده باشد.

داستان‌نویسان چندی، به این کار دست زده‌اند و با استفاده از حکایت‌های گلستان، کلیله و دمنه، مثنوی، بوستان و کتاب‌های دیگر، داستان‌هایی برای کودکان و نوجوانان نوشته‌اند. این کار چند خاصیت خواهد داشت:

- داستان‌نویسان را از کمبود سوژه نجات می‌دهد.
- کودکان و نوجوانان را با کتاب‌های بزرگ ادبیات فارسی آشنا می‌کند.

### ○ نگاه سعدی به آموزش کودکان و نوجوانان گفتمان سعدی در زمینه کودک و نوجوان و

پرورش و آموزش آن‌ها، گفتمانی یک سو به و مردانه است. در همه گزاره‌های یاد شده در نمودارهای بالا و گزاره‌های دیگر که به علت نامناسب بودن از یادکرد آن‌ها خودداری شده، واژه «پسر» به معنای عام «فرزند» به کار رفته است. سعدی در متون حکایتی گلستان، می‌کوشد از عنصر پند و اندرز برای تغییر در رفتار کودکان و نوجوانان استفاده کند. سبک و سیاق سعدی در تربیت و شکل بیان، از نویسندگانی مانند نظامی، غزالی، عراقی، عنصرالمعالی کیکاووس بن وشمگیر و... پیشرفته‌تر می‌نماید. چرا که سعدی، از ساخت داستان (زبانی غیرمستقیم)، برای بیان آموزه‌های خود استفاده می‌کند. البته پیش از سعدی، نصرالله منشی، در داستان حکایت‌های تمثیلی کلیله و دمنه و عبید زاکانی، در «رساله دلگشا» با زبان طنز، غیرمستقیم گویی را در پیش می‌گیرند.

انگاره‌ها و آموزه‌های تربیتی سعدی، در زمانه او، چه بسا نو و کاربردی بوده، اما در روزگار ما به علت تغییر در نگرش‌ها و مناسبات اقتصادی - اجتماعی و پیشرفت دانش‌های انسانی، بسیاری از آموزه‌های تربیتی و پرورشی سعدی درباره کودکان و نوجوانان، کارایی خود را از دست داده‌اند.

امروزه دیگر این سخن سعدی که:

«تربیت نیکو نگرده آن که بنیادش بد است  
تربیت، ناهل را چون گردکان بر گنبد است»  
غیرقابل دفاع است. چرا که در «بدی بنیادین» و «تربیت‌ناپذیری» انسان‌ها، تردیدهای جدی وجود دارد.

مبانی نظام تربیتی سعدی، برخاسته از تجربه شخصی او در زندگی و سیر و سفر و نیز آموزش‌ها و باورهای آیینی و دانشی اوست. اصول تربیتی مورد استفاده سعدی، زاینده مناسبات اجتماعی زمانه او است. در آن نظام، تاریخ از زبان اول شخص مذکر روایت می‌شود؛ اول شخصی که در جایگاه یک متکلم وحده و عقل کل نشست و از دریچه دانای کل، به جهان پیرامون می‌نگرد و درباره آن داور و تصمیم‌گیری می‌کند. این دانای کل، به علت عدم حضور دیگران، به خود اجازه می‌دهد تا به پیر و جوان، زن و مرد، دارا و ندار و... اندرز بدهد.

نمودار شماره ۳: داستان‌های نامناسب برای کودکان و نوجوانان در گلستان سعدی

عنوان فصل	۱	۲	۳	۴	۵
تعداد حکایت	تعداد حکایت برای کودکان و نوجوان	تعداد حکایت با اندکی تغییر برای کودک و نوجوان مناسبند	تعداد حکایت‌هایی که نامناسب برای کودکان و نوجوانان	تعداد حکایت‌های نامناسب برای کودکان و نوجوانان	تعداد حکایت‌های نامناسب برای کودکان و نوجوانان
دیباچه	-	-	-	-	کلاً مناسب ندارد
در سیرت پادشاهان	۴۲	۲	۷	۳۳	
در اخلاق درویشان	۴۸	۱	۲	۴۵	
در فضیلت قناعت	۲۷	۲	۴	۲۱	
در فواید خاموشی	۱۴	-	۱	۱۳	
در عشق و جوانی	۲۱	۱	۴	۱۶	
در ضعف و پیری	۹	-	۴	۵	
در تأثیر تربیت	۱۹	۸	۵	۶	
جدال سعدی با مدعی	ندارد	ندارد	ندارد	-	
در آداب صحبت	ندارد	ندارد	ندارد	-	
جمع	۱۸۱	۱۴	۲۷	۱۳۹	

در آنالیز جدول بالا، چند نکته به دست می‌آید:

الف) ۷۶/۷ درصد از حکایت‌های گلستان، برای مخاطبان حوزه سنی کودک و نوجوان، مناسب نیست. علت‌های مناسب نبودن این اندازه از حکایت - داستانواره‌های گلستان با دریافت‌های ذهنی کودکان و نوجوانان، به این شرح است:

۱- طرح مسایل دشوار سیاسی و بزرگسالانه در بسیاری از حکایت‌ها.

۲- طرح مسایل فنی عرفانی و فلسفی و اجتماعی که با دریافت ذهنی کودکان و نوجوانان، هم‌تافتنی لازم را ندارد.

۳- طرح مسایل جنسی و پورنو گرافیک، در قالب آزارهای جنسی و روابط زناشویی روا و ناروا که به علت آگاهی‌های پیش‌رس و عدم تناسب با شناخت و نیاز کودکان و نوجوانان، بدآموزی‌ها و زبان‌های روحی و روانی - تربیتی را به دنبال خواهد داشت.

ب) ۷/۷ درصد از حکایت - داستانواره‌ها، مستقیماً برای کودکان و نوجوانان نوشته شده‌اند.

ج) ۱۳/۲ درصد از حکایت - داستانواره‌ها با اندکی دخل و تصرف و بازنویسی، برای مخاطبان کودک و نوجوان قابل فهم و درک خواهد بود.

د) جمع ستون‌های ۳ و ۴، وزن گرایش‌های سعدی را در ادبیات کودک و نوجوان نشان می‌دهد. بنابراین ۲۲/۶۵ درصد از حکایت - داستانواره‌ها با اندکی تخفیف و اغماض، در حوزه تخاطبی کودک و نوجوان قرار می‌گیرند.

پرسش این است که با آن که تنها ۷/۷ درصد از حکایت - داستانواره‌های گلستان، با تخفیف و چشم‌پوشی از ضعف‌های برون ساختی و ژرف ساختی، برای کودکان و نوجوانان مناسب است،

چگونه کودکان و نوجوانان در سده‌های گذشته، از گلستان به عنوان متن درسی و درس‌نامه، استفاده می‌کرده‌اند؟

دستگاه آموزشی و پرورشی در سده‌های گذشته، به چند دلیل گلستان و متن‌های مانند آن را در مکتب‌خانه‌ها تدریس می‌کرده است:

- نداشتن برنامه برای تهیه و تألیف متن درسی.

- عدم استفاده از روان‌شناسی در تدوین و تألیف متن‌های درسی.

- عدم دسته‌بندی و جداسازی انسان‌های تحت آموزش بر اساس سن.

- وجود عناصر اندرزی در حکایت‌ها و متن گلستان و احساس نیاز دست‌اندرکاران نظام آموزشی مبنی بر لزوم آموزش متن‌های اندرزی به کودکان و نوجوانان.

- زبان ساده و روان و شیرین و آهنگین گلستان برای کودکان و نوجوانان، گیرایی و جذابیت ویژه‌ای داشته است.

**پی‌نوشت:**

۱- کلیات سعدی شیرازی/ تصحیح و مقدمه رکن‌زاده آدمیت/ کتابفروشی اسلامیة/ بی‌تا/ ص ۶۲.

۲- پیشین/ ص ۷۸.

۳- پیشین/ ص ۸۳.

۴- پیشین/ ص ۹۹.

۵- پیشین/ ص ۱۰۰.

۶- پیشین/ ص ۱۲۲.

۷- پیشین/ ص ۱۳۱.

۸- پیشین/ ص ۱۳۲.

۹- پیشین/ ص ۱۳۲.

۱۰- پیشین/ ص ۱۳۲.

۱۱- پیشین/ ص ۱۳۴.

۱۲- پیشین/ ص ۱۳۵.

۱۳- پیشین/ ص ۱۳۵.

۱۴- پیشین/ ص ۱۳۷.

۱۵- پیشین/ ص ۵۹.

۱۶- پیشین/ ص ۶۰.

۱۷- پیشین/ ص ۶۴.

۱۸- پیشین/ ص ۷۱.

۱۹- پیشین/ ص ۷۱.

۲۰- پیشین/ ص ۷۸.

۲۱- پیشین/ ص ۷۸.

۲۲- پیشین/ ص ۸۹.

۲۳- پیشین/ ص ۹۰.

۲۴- پیشین/ ص ۱۰۲.

۲۵- پیشین/ ص ۱۰۲.

۲۶- پیشین/ ص ۱۰۵.

۲۷- پیشین/ ص ۱۰۵.

۲۸- پیشین/ ص ۱۰۷.

۲۹- پیشین/ ص ۱۱۳.

۳۰- پیشین/ ص ۱۲۱.

۳۱- پیشین/ ص ۱۲۲.

۳۲- پیشین/ ص ۱۲۸.

۳۳- پیشین/ ص ۱۳۰.

۳۴- پیشین/ ص ۱۳۰.

۳۵- پیشین/ ص ۱۳۰.

۳۶- پیشین/ ص ۱۳۰.

۳۷- پیشین/ ص ۱۳۳.

۳۸- پیشین/ ص ۱۳۴.

۳۹- پیشین/ ص ۱۳۴.

۴۰- پیشین/ ص ۱۳۶.

۴۱- پیشین/ ص ۱۳۶.

۴۲- پیشین/ ص ۱۳۶.

۴۳- گلستان سعدی/ از روی نسخه تصحیح شده فروغی/ انتشارات ققنوس/ چ هشتم ۱۳۷۲/ ص ۳۲ - ۳۳

در این نوشتار، از نسخه‌های دیگری غیر از نسخه رکن‌زاده آدمیت، استفاده شده است که عبارتند از:

- گلستان سعدی - به تصحیح محمدعلی فروغی/ انتشارات ققنوس/ چاپ هشتم سال ۱۳۷۲.

- گلستان سعدی به تصحیح فروغی و به اهتمام دکتر علی شهبازی/ انتشارات افشار/ بی‌تا.